

بررسی حکم وضعی بلل مشتبّه به بول از منظر روایات

میلاد امیری غرقه، مهدی شیرزاد، مرتضی صادقین قزل‌آباد^۱

چکیده

در این تحقیق به بررسی حکم وضعی بلل مشتبّه به بول از منظر روایات پرداخته شده است؛ چرا که با وجود این که در روایات به این مهم پرداخته شده است، لکن مقاله‌ای در این زمینه تا به حال نگارش نشده است. با این که انسان روزانه هفده رکعت نماز خوانده و از مقدمات نماز، طهارت بدن و لباس از نجاست و همچنین وضو داشتن می‌باشد و اگر این مقدمات رعایت نشوند، نماز باطل می‌باشد. همچنین، واجب است مکلف از اکل و شرب نجاست احتراز کند. گاهی بعد از بول، مایعی خارج شده که نمی‌دانیم این مایع نجس و مبطل وضوء می‌باشد یا نه که با توجه به روایات در این زمینه گفته می‌شود بلل مشتبّه بعد از استبراء پاک بوده و مبطل وضوء نمی‌باشد اما قبل از استبراء نجس بوده و مبطل وضوء می‌باشد.

واژگان کلیدی: بلل مشتبّه، نجاست، مبطلیت وضوء، استبراء.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش.

۱. طلاب پایه دهم مدرسه شهیدین ع.ق.م. نویسنده مسئول: میلاد امیری غرقه.

رایانامه: ttmostafa1998@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۰۰۹۵۰۹۰۴



۱. مقدمه

بدون تردید برای رسیدن به سعادت حقیقی خود باید به دستورات خداوند متعال عمل کرد که از جمله دستورات خداوند متعال اقامه نماز می باشد.

برای اقامه نماز، مقدماتی از قبیل پاک بودن بدن انسان از نجاسات و وضو داشتن باید رعایت شود. خروج بول از جمله مواردی است که هم نجس بوده و هم موجب بطلان وضو می باشد، اما گاهی از انسان مایعی خارج شده که بر وی مشتبّه می شود که آیا این مایع نجس بوده و همچنین موجب بطلان وضوی وی می شود یا خیر؟

با وجود اینکه در روایات به این امر اشاره شده است، لکن تاکنون درباره حکم وضعی بلل مشتبّه از منظر روایات، تحقیقی انجام نشده است؛ از این رو تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که حکم وضعی بلل مشتبّه به بول از منظر روایات چه می باشد؟

۲. پیش گفتار

در جایی که بلل مشتبّهی از شخصی خارج شده و شخص نمی داند که این بلل طاهر است یا نه، با توجّه به قاعده طهارة (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۴۱۷) نسبت به طهارة چنین بللی حکم می شود. همچنین، در صورتی که شخص بعد از بول کردن وضو بگیرد، سپس بلل مشتبّهی از وی خارج شود و شک کند که این بلل موجب بطلان وضوی سابقش می شود یا نه، بنابر استصحاب طهارة سابق (حاصل از وضو)، به وجود طهارة حکم می شود.

فقهایی از جمله امام خمینی (امام خمینی، بی تا، جلد ۱، صص ۲۰-۱۹) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۹۳؛ ج ۱، ص ۲۳؛ ج ۱، ص ۴۱۵) قائل بر این هستند که بلل مشتبّه اگر قبل از استبراء از انسان خارج شود هم نجس بوده و هم مبطل وضو می باشد، اما اگر بعد از استبراء بللی خارج شود، طاهر بوده و مبطل وضو نیز نمی باشد.

از بررسی چنین حکمی متوجّه می شویم که منبع این مسأله، سنت و اجماع (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۲۲) می باشد. اما این مقاله به منظور بررسی روایات مربوط به بحث، نگارش شده است؛ از این رو در مقاله حاضر، روایات مربوط به حکم وضعی نجاست و مبطلیت بلل مشتبّه ضمن دو فصل آورده می شود.

۳. بررسی حکم وضعی بلل مشتبه به بول از حیث طهارت و نجاست

در این بخش، دو دسته روایت وجود دارد؛ دسته اول، روایاتی که دال بر پاک بودن بلل مشتبه به بول به صورت مطلق بوده و دسته دوم، روایاتی که دال بر پاک بودن بلل مشتبه به بول بعد از استبراء هستند. در ادامه به بیان و بررسی این دو دسته روایت می‌پردازیم.

۳-۱. روایات دال بر پاک بودن بلل مشتبه به بول به صورت مطلق

۳-۱-۱. حدیث زرارۀ

علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد عن حريز عن زرارۀ عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن سأل من ذكرَكَ شَيْءٌ من مَذْيٍ - أو وَدْيٍ - وأنت في الصَّلَاةِ - فلا تَغْسِلُهُ ولا تَقْطَعُ لَهُ الصَّلَاةَ - ولا تَنْقُضُ لَهُ الوُضُوءَ - وإن بَلَغَ عَقَبَيْكَ - فَإِنَّمَا ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ النُّخَامَةِ - وَكُلُّ شَيْءٍ خَرَجَ مِنْكَ بَعْدَ الوُضُوءِ - فَإِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ أَوْ مِنَ الْبَوَاسِرِ - وَلَيْسَ بِشَيْءٍ فَلَا تَغْسِلُهُ مِنْ ثَوْبِكَ إِلَّا أَنْ تَقْدَرَهُ.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۳۹)

تقریب روایت: این روایت بر عدم نجاست هر رطوبتی دلالت دارد که پس از وضوء از انسان خارج می‌شود و این عموم که لفظ «کُلُّ شَيْءٍ» بر آن دلالت دارد شامل بلل مشتبه نیز می‌شود. اطلاق روایت، مواردی را که استبراء انجام نشود نیز شامل می‌شود.

۳-۱-۲. حدیث سماعة

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام إِنِّي أَبُولُ ثُمَّ أَمْسَحُ بِالْأَحْجَارِ، فَيَجِيءُ مِنِّي الْبَلَلُ - مَا يُفْسِدُ سَرَاوِيلِي. قَالَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۹)

۱. زرارۀ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: اگر در حال نماز بودی و چیزی از چیزی یا ودی از آلت تو جاری شد، حتی اگر به دو پاشنه پایت رسید، لازم نیست آن را بشویی و نباید نماز را قطع کنی و به خاطر آن وضوی خود را نشکن؛ زیرا که آن به سان آب بینی و خلط سینه است. هر چه پس از وضوء از تو خارج می‌شود، از رگ‌ها یا بواسیر است و نجس نیست و لباس آلوده به آن را نشوی، مگر این که آن را چرک بشماری. (ترجمه فروع کافی، ج ۱، ص ۱۲۰)

۲. به ابو الحسن امام کاظم عليه السلام گفتم: من بول می‌کنم و سر آلت را با کلوخ خشک می‌کنم، سپس رطوبتی از من خارج می‌شود آیا شلوار مرا آلوده می‌سازد؟ ابو الحسن گفتند: اشکالی ندارد.





تقریب روایت: تعبیر «لیس به بأس»، در عدم نجاست بلل مشتبّه به بول به صورت مطلق (چه استبراء کند و چه نکند) ظهور دارد. البته در نسخه‌ای دیگر از این روایت، قید «بعد استبرائی» آمده که در نتیجه بلل مشتبّه به بول بعد از استبراء نجس نمی‌باشد. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱)

۳-۱-۳. روایت ابن ابی یعفور

و سَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - عَنْ رَجُلٍ بَالَ ثُمَّ تَوَضَّأَ وَقَامَ إِلَى الصَّلَاةِ فَوَجَدَ بَلَلًا قَالَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَلَا يَتَوَضَّأُ.^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۶۴)

تقریب روایت: تعبیر «لا شیء علیه» ظهور در نفی جنس داشته و وجوب هر «شیء» را از مکلف، نفی می‌کند. از آنجا که اجتناب از بلل مشتبّه به سبب نجاست، مصداقی از «شیء» است، این تعبیر ظهور در عدم وجوب اجتناب از بلل مشتبّه به سبب نجاست آن و در نتیجه عدم نجاست بلل مشتبّه دارد.

۳-۱-۴. حدیث حنان بن سدید

وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فَقَالَ إِنِّي رُبَّمَا بُلْتُ فَلَا أَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ - وَيَسْتَدُّ ذَلِكَ عَلَيَّ - فَقَالَ إِذَا بُلْتَ وَتَمَسَّحْتَ - فَاْمَسْحُ ذَكَرِكَ بِرَبِّقِكَ - فَإِنْ وَجَدْتَ شَيْئًا فَقُلْ هَذَا مِنْ ذَاكَ.^۲ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۵۳)

روایت ابن سدید دلالت دارد که هر آنچه پس از بول کردن (اگر چه با آب تطهیر نشود) در لباس یافت شود و در خروج آن از مخرج بول تردید باشد، محکوم به طهارت است. همچنین باید توجه داشت که در عبارت «فامسح ذکرک بریقک» مسح به معنای مالیدن است نه طهارت. قریب‌ترین این مطلب هم این است که «ذکر» در تعبیر «فامسح ذکرک» یعنی «خود»

۱. عبدالله ابن ابی یعفور در مورد مردی از امام صادق عليه السلام پرسید که مردی بول کرد سپس وضو گرفته و مشغول نماز شده و بللی در خودش یافت؛ امام فرمودند: چیزی بر او نیست و نمی‌خواهد وضو بگیرد.

۲. حنان بن سدید گوید: از مردی شنیدم که از امام صادق عليه السلام پرسید: گاهی ادرار می‌کنم و دست‌رسی بر آب ندارم و این امر بر من سخت است؟ امام فرمود: هرگاه بول کردی، آلت خود را بفشار، سپس از آب دهانت بر آن بمال، پس اگر چیزی دیدی نزد خود چنین بگو که این رطوبت، آب دهان است. (ترجمه فروع کافی، ج ۱، ص ۷۷)

آلت» نه «مخرج بول». قرینه دیگر اینکه اگر مسح را به معنای طهارت در نظر بگیریم، با توجه به اینکه ریق (آب دهان) آب قلیل است، نمی تواند مطهر نجاست باشد. (احتمال این هم هست که ریق، آب مضاف باشد که از این احتمال چشم پوشی شده است.)

اشکال: تعبیر «تمسّحت» در روایت، ممکن است به معنای استبراء باشد که در این صورت، روایت بیانگر طهارت هر آن چیزی است که پس از بول و استبراء در لباس یافت شود. همچنین روایت تصریح ندارد که بلل مشتبه به بول پاک است، بلکه فرموده است که اگر چیزی بعد از استبراء در لباس یافت شد، این همان ریق است (که پاک است)، پس این روایت دلالتی بر پاک بودن بلل مشتبه ندارد.

۳-۱-۵. حدیث ابن ابی یعفور

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَنْ أَبِي دَاوُدَ جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بَالَ ثُمَّ تَوَضَّأَ - ثُمَّ قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ ثُمَّ وَجَدَ بَلَلًا - قَالَ لَا يَتَوَضَّأُ إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْخَبَائِلِ.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۹)

اگر مراد از «ثم وجد بللاً» را خروج بلل در هنگام نماز بدانیم نه پس از نماز، در این صورت عدم مبطلیت بلل مشتبه برای وضوء و دستور به ادامه نماز با عدم نجاست آن ملازم است؛ زیرا در غیر این صورت، نماز با وجود نجس شدن بدن و لباس باطل است و دستور به ادامه دادن آن از سوی امام معصوم با روایات بیانگر شرایط لباس نمازگزار سازگاری ندارد، اما اگر مراد از «ثم وجد بللاً» را خروج بلل پس از نماز بدانیم، در این صورت عدم مبطلیت بلل مشتبه برای وضوء با عدم نجاست آن ملازمی ندارد.

اشکال: چون هر دو معنای بیان شده در مورد تعبیر «ثم وجد بللاً»، در حدّ احتمال بوده و به ظهور نرسیده است، وجود همین دو احتمال موجب اجمال متن روایت می شود، پس نمی توان دلالت بر نجاست یا عدم نجاست بلل مشتبه را به این روایت نسبت داد.

۱. ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم مردی بول می کند، سپس وضو می گیرد و به نماز می پردازد، سپس رطوبتی در خود می یابد. فرمود: اعاده وضو لازم نیست؛ زیرا این رطوبت، از رگ های آلت است. (ترجمه فروع کافی، ج ۱، ص ۷۶)





۳-۱-۶. حدیث فضل بن شاذان

نکته: ممکن است از روایت زیر نیز پاک بودن بلل مشتبه به صورت مطلق برداشت شود:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ وَ عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ الْأَبِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: إِنَّمَا وَجَبَ الْوُضُوءُ مِمَّا خَرَجَ مِنَ الطَّرَفَيْنِ خَاصَّةً وَ مِنَ النَّوْمِ دُونَ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ لِأَنَّ الطَّرَفَيْنِ هُمَا طَرِيقُ النَّجَاسَةِ وَ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ طَرِيقُ تَنْصِيئِهِ النَّجَاسَةَ مِنْ نَفْسِهِ إِلَّا مِنْهُمَا فَأَمَرُوا بِالطَّهَارَةِ عِنْدَ مَا تَنْصِيئُهُمْ تِلْكَ النَّجَاسَةُ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَمَّا النَّوْمُ فَإِنَّ النَّائِمَ إِذَا غَلَبَ عَلَيْهِ النَّوْمُ يُفْتَحُ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ وَ اسْتَرْخَى فَكَانَ أَغْلَبُ الْأَشْيَاءِ عَلَيْهِ فِيمَا يَخْرُجُ مِنْهُ الرِّيحُ فَوَجَبَ عَلَيْهِ الْوُضُوءُ لِهَذِهِ الْعِلَّةِ.^۱ (ابن بابویه، ۱۳۵۷، ص ۲۵۷)

از این روایت نمی توان استظهار نمود که بلل مشتبه به بول نجس می باشد؛ چراکه روایت تصریح کرده است که مخرج بول و غائط راهی هستند که نجاست از این دو راه عبور می کند و روایت تصریح نکرده است که بلل مشتبه نیز نجس بوده؛ لذا قدر متیقن از نجاست همان بول و غائط بوده که از مخرج بول و غائط خارج می شوند. ممکن است گفته شود بلل مشتبه به بول هم نجس است؛ زیرا بلل مشتبه از مجرای عبور کرده است که آن مجرا به واسطه بول نجس شده است. اما در پاسخ به چنین قولی باید گفت به نظر می رسد باطن بدن همیشه پاک است و نجس نمی شود؛ مانند: داخل دهان که ولو خون داخل آن باشد، اما وقتی عین نجاست برطرف شود، دهان پاک است و دیگر نجس نیست. بنابراین داخل مجرا نیز مادامی که بول در آن است، همان بول نجس است، نه اینکه طریق نجس باشد. حال در مورد بلل مشتبه به بول، به نظر می رسد قبل از استبراء، چون بول به همراه خود دارد، موجب نجاست آن است، نه اینکه نجاست طریق، آن را نجس کرده باشد، و بعد از استبراء چون اکثر بول خارج شده است، دیگر عرفاً شامل بول نیست و اگر بخواهیم داخل بدن را مطلقاً از بول خالی کنیم، حرج پیش می آید و به همین خاطر ممکن است در این مسئله به خاطر تسهیل در عبادت، به پاک بودن بلل بعد از استبراء حکم نمود.

۱. وضو واجب شد به سبب ادرار و مدفوع و به سبب خواب نه غیر آن ها، زیرا که این دو طرف دو طریق نجاستند، اما خواب به این دلیل که چون شخصی بخفت همه اعضا و قوای او سست گردد و اغلب در این وقت است که از او باد برآید و از این سبب وضو واجب شد.



ممکن است به اطلاق لفظ «ما» در عبارت «ما خرج من الطرفين» تمسک شده و گفته شود که این اطلاق شامل بلل مشتبه و حتی وذی، مذی و ودی نیز می‌شود پس این موارد، محکوم به نجاست هستند، اما در صورت اثبات این اطلاق نیز، عدم نجاست وذی، مذی و ودی، به وسیله روایات مقیده که بیانگر عدم نجاست این سه رطوبت هستند ثابت می‌شود. البته با توجه به اینکه حکم این سه رطوبت، خارج از بحث مقاله است به توضیح چگونگی آن نمی‌پردازیم، اما تقیید اطلاق این عبارت درباره بلل مشتبه به بول که مورد بحث همین نوشته است ذیل مباحث مقاله بررسی می‌شود.

۳-۲. روایات دال بر پاک بودن بلل مشتبه به بول بعد از استبراء

۳-۲-۱. حدیث سماعة

فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَجْزُوبٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ التَّهْدِي عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ عَنِ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَيِّ الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام إِنِّي أَبُولُ ثُمَّ أَلْأَحْجَارَ فَيَجِيءُ مِنِّي الْبَلَلُ بَعْدَ اسْتِبْرَائِي مَا يُفْسِدُ سَرَاوِيلِي قَالَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۵۱)

تقریب روایت: در این روایت، تعبیر «بعد استبرائی» موجب می‌شود که دلالت روایت بر عدم نجاست به صورت مطلق نباشد، بلکه در صورتی که استبراء انجام شود نجس نیست، اما اگر استبراء انجام نشود نجس است؛ زیرا در این روایت امام عليه السلام هنگام پاسخ به سوال راوی، در مقام بیان حد و حدود حکم شرع هستند، پس قید «بعد استبرائی» در کلام راوی دلالت بر مفهوم (مفهوم وصف) دارد.

۳-۲-۲. حدیث ابن بختری

وَعَنِ الْمُنَيْدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَحْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَبُولُ قَالَ يَنْزُرُهُ ثَلَاثًا - ثُمَّ إِنْ سَالَ حَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ فَلَا يَبَالِي.^۲ (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۷)

۱. سماعة می‌گوید به امام کاظم عليه السلام عرض کردم من بول کردم و سپس خودم را با سنگ پاک کردم، سپس بعد از استبراء کردن از من بللی بیرون آمد؛ امام فرمودند که هیچ اشکالی نیست. (چیزی بر گردن تو نیست.)

۲. به ابو عبد الله صادق عليه السلام گفتم: بعد از بول کردن، چه باید کرد؟ ابو عبد الله گفت: سه نوبت مجرای بول



این روایت، دال بر پاک بودن بلل مشتبّه به بول می باشد، نه عدم مبطلیت وضوء توسط آن؛ چراکه سخنی از نماز به میان نیامده است. همچنین، تعبیر «یبلغ السوق» قرینه بر تقویت این احتمال می باشد؛ چراکه درباره فرد وسواسی نیز همین مطلب مطرح است که طبق فرموده فقهاء اگر رطوبت خارج شده هر چقدر هم زیاد باشد باز هم لباس پاک است. همچنین، ذکر کردن استبراء، دال بر پاک بودن بلل مشتبّه به بول پس از استبراء است، اما پیش از استبراء نجس است؛ زیرا همان طور که ذیل روایت قبل گفته شد در اینجا امام علیه السلام در مقام بیان حد و حدود حکم شرع هستند، پس قید «بعد ذلک (استبراء)» دلالت بر مفهوم (مفهوم وصف) دارد؛ یعنی دال بر مبطل وضوء بودن پیش از استبراء است.

۳-۳. جمع بندی

روایات دسته اول بصورت مطلق بر پاک بودن بلل مشتبّه دلالت می کنند و روایات دسته دوم، پاک بودن بلل مشتبّه را به بعد از استبراء مقید کرده و بنا بر مفهومشان در فرض پیش از استبراء، دال بر نجاست آن هستند، لذا بنا بر حمل مطلق بر مقید که جمعی عرفی برای حل تعارض بدوی است، با حمل روایات دسته اول بر دسته دوم نتیجه گرفته می شود که بلل مشتبّه بعد از استبراء پاک است، اما پیش از استبراء نجس است.

۴. بررسی حکم وضعی بلل مشتبّه از حیث مبطل وضوء بودن

روایات این بخش، چهار دسته هستند. دسته اول دال بر بطلان وضوء به صورت مطلق، دسته دوم دال بر بطلان وضوء در صورت خروج بلل مشتبّه به بول بعد از استبراء، دسته سوم دال بر عدم بطلان وضوء در صورت خروج بلل بعد از استبراء و دسته چهارم دال بر عدم مبطل بودن به صورت مطلق اند. در ادامه به بیان روایات و بررسی آنها می پردازیم.

۴-۱. روایات دال بر بطلان وضوء به صورت مطلق

۴-۱-۱. حدیث ابوبصیر

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ

را از ابتدا تا انتها می فشارد تا ذرات بول را تخلیه کند. بعد از آن اگر رطوبتی یا لعاب شوقی از او خارج

شود و تا ساق پاها سرازیر شود، باکی ندارد. (گزیده تهذیب، ج ۱، ص ۷۶)

اللَّهُ ﷻ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّعَافِ وَالْحِجَامَةِ وَ كُلُّ دَمٍ سَائِلٍ - فَقَالَ لَيْسَ فِي هَذَا وُضُوءٌ - إِنَّمَا الْوُضُوءُ مِنْ طَرَفَيْكَ اللَّذَيْنِ أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِمَا عَلَيْكَ.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۳۷)

تقریب روایت: سائل گمان می کرده که خون بینی، خون حجامت و هر خونی که از بدن انسان جاری می شود موجب بطلان وضو است، اما حضرت به وسیله حصر اضافی نسبت به این سه مورد بیان می فرمایند که فقط هر چه از مخرج بول و غائط خارج بشود موجب بطلان وضو است. بلل مشتبه به بول یکی از مصادیق خارج شده از مخرج بول بوده، لذا این بلل مشتبه موجب بطلان وضو می باشد.

۴-۱-۲. حدیث فضل بن شاذان

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَالِ وَ عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ الْأَبِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّصَا ﷻ قَالَ: إِنَّمَا وَجَبَ الْوُضُوءُ مِمَّا خَرَجَ مِنَ الطَّرَفَيْنِ خَاصَّةً وَ مِنَ النَّوْمِ دُونَ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ لِأَنَّ الطَّرَفَيْنِ هُمَا طَرِيقُ النَّجَاسَةِ وَ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ طَرِيقٌ تُصِيبُهُ النَّجَاسَةُ مِنْ نَفْسِهِ إِلَّا مِنْهُمَا فَأَمُرُوا بِالطَّهَارَةِ عِنْدَ مَا تُصِيبُهُمْ تِلْكَ النَّجَاسَةُ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَمَّا النَّوْمُ فَإِنَّ النَّائِمَ إِذَا غَلَبَ عَلَيْهِ النَّوْمُ يُنْتَحِ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ وَ اسْتَرْخَى فَكَانَ أَغْلَبُ الْأَشْيَاءِ عَلَيْهِ فِيمَا يَخْرُجُ مِنْهُ الرِّيحُ فَوَجَبَ عَلَيْهِ الْوُضُوءُ لِهَذِهِ الْعِلَّةِ.^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۴)

تقریب روایت: قید «خاصّة» برای «الطرفین» می باشد که در نتیجه می توان روایت را این طور استظهار نمود که فقط هر چه که از مخرج بول و غائط خارج شود، موجب بطلان وضو می شود؛ بنابراین، اگر چیزی مانند بول از غیر مخرج بول خارج شود، موجب بطلان وضو نمی شود. اطلاق «اما موصوله» در روایت شامل بلل مشتبه به بول می شود؛ لذا اگر شخصی بعد از بول کردن وضو بگیرد و سپس بلل مشتبهی از مخرج بول وی خارج شود، وضوی وی باطل می باشد.

۱. ابو بصیر گوید: از امام صادق ﷻ در مورد خون دماغ، حجامت و هر خونی که جاری می گردد، پرسیدم؟ فرمود: در این چیزها تکرار وضو لازم نیست، بلکه اگر چیزی از عورتین - که خدا آن ها را به تو روزی کرده - خارج شود، وضو لازم می گردد. (ترجمه فروع کافی، ج ۱، ص ۱۱۵)

۲. وضو واجب شد به سبب ادرار و مدفوع و به سبب خواب نه غیر آن ها؛ زیرا که این دو طرف دو طریق نجاستند، اما خواب به این دلیل که چون شخصی بخفت همه اعضا و قوای او سست گردد و اغلب در این وقت است که از او باد برآید و از این سبب وضو واجب شد.





۴-۱-۳. حدیث زراره

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ وَحَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ لَا يَنْقُضُ الْوُضُوءُ إِلَّا مَا خَرَجَ مِنْ طَرَفَيْكَ أَوْ النَّوْمُ.^۱ (طوسی، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۷۹)

تقریب روایت: عمومیت ما موصوله در روایت شامل بلل مشتبه به بول می‌شود، لذا اگر شخصی بعد از بول کردن وضو بگیرد و سپس بلل مشتبهی از وی خارج شود وضوی وی باطل می‌شود.

۴-۱-۴. جمع‌بندی نسبت به این دسته از روایات

از عمومات و اطلاعات این روایات متوجه می‌شویم که بلل مشتبه مبطل وضو است. (ولو شخص استبراء کرده باشد).

۴-۲. روایات دال بر بطلان وضوء در صورت خروج بلل مشتبه به بول بعد از استبراء

۴-۲-۱. حدیث محمد بن عیسی

وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ رَجُلٌ - هَلْ يَجِبُ الْوُضُوءُ مِمَّا خَرَجَ مِنَ الذَّكَرِ - بَعْدَ الْإِسْتِبْرَاءِ فَكَتَبَ نَعَمْ.^۲ (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۴۹)

تقریب روایت: بر اساس این روایت، خروج بلل مشتبه پس از استبراء، موجب نقض وضوء است، سپس با استفاده از مفهوم موافق، به طریق اولویت، بر نقض وضوء پیش از استبراء دلالت می‌کند.

۴-۳. روایات دال بر عدم بطلان وضوء در صورت خروج بلل مشتبه به بول بعد از استبراء

۴-۳-۱. حدیث محمد بن مسلم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام رَجُلٌ بَالَ وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ مَاءٌ - قَالَ يَعْصُرُ أَصْلَ ذَكَرِهِ إِلَى طَرَفِهِ ثَلَاثَ عَصْرَاتٍ - وَيَنْتَرُ طَرَفَهُ

۱. وضوء باطل نمی‌شود مگر چیزی که از دو طرف تو (عورتین) خارج شود یا خواب.

۲. محمد بن عیسی می‌گوید: شخصی به امام باقر علیه السلام نامه نوشت که آیا بعد استبراء چیزی از آلت ذکور

بیرون بیاید، وضو واجب است؟ امام بر او نوشت: بله. (وضو واجب است.)

فَإِنْ خَرَجَ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ - فَلَيْسَ مِنَ الْبَوْلِ وَلَكِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۹)

تقریب روایت: این روایت دالّ بر این است که بلل مشتبه به بول بعد از استبراء، مبطل وضوء نیست؛ زیرا مصداق بول نیست و از حبائل (رطوبتی که از رگها خارج می شود) است، اما پیش از استبراء، بنا بر مفهوم وصف و احراز در مقام بیان بودن امام علیه السلام مبطل وضوء است.

نکته دیگری که در این روایت باید بدان اشاره کرد این است که در این روایت، موضوع سؤال، طهارت و نجاست بدن مکلف نیست؛ زیرا بدن شخص از همان زمان خروج بول نجس شده است و دوباره نجس شدنش با رطوبت خارج شده امری جدید نخواهد بود، پس مسأله، مبطلّیت رطوبت خارج شده است.

فضای روایت این چنین است که شخص پس از بول و نداشتن آب، باید تیمّم نماید و چون قبلاً استبراء نموده اگر رطوبتی از او خارج شود، مبطل طهارت (تیمّم) او نخواهد بود. البته شاید این اشکال هم مطرح شود که در روایت هیچ صحبتی درباره نماز نشده است، پس نسبت به این که مسئله سائل، طهارت وضوء یا تیمّم برای نماز بوده است، دلیلی وجود ندارد، از این رو دالّ بر طهارت بدن از نجاست است.

در پاسخ به این اشکال می توان گفت: هر چند این مطلب را بپذیریم، باز هم اشکالی وجود دارد؛ اینکه بدن شخص از همان هنگام بول نمودن نجس شده است و رطوبتی که بعد از استبراء خارج شود، اگرچه بول نبوده و پاک است، اما چون با این محلّ نجس ملاقات دارد نجس خواهد شد.

۴-۳-۲. حدیث اسماعیل بن عبد الخالق

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحُمَيْرِيُّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قُلْتُ الرَّجُلُ يَبُولُ - وَ يَتَفَضُّ وَ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَجِدُ الْبَلَّلَ بَعْدَ ذَلِكَ - قَالَ لَيْسَ

۱. محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: مردی بول می کند و آبی ندارد که خود را بشوید، حکمش چیست؟ فرمود: باید بیخ آلت خود را تا نوک آن سه بار بفشارد و نوک آن را فشار دهد، پس اگر بعد از آن چیزی بیرون آید بول نیست، بلکه رطوبتی است که از رگها خارج می شود. (ترجمه فروع کافی، ج ۱، ص ۷۵)





ذَلِكَ شَيْئًا إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْحَبَائِل.^۱ (حمیری، ۱۴۰۳، ق، ص ۶۰)

تقریب روایت: به قرینه حدیث محمد بن مسلم،^۲ «ینتفض» یا به معنای استبراء کردن و یا به معنای زایل کردن نجاست و تطهیر بول است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۷۷، ص ۳۶۰) این مطلب را نیز باید اضافه کنیم که تعبیر «من الحبائل» پس از بیان استبراء آمده است، لذا مراد از «ینتفض» در اینجا استبراء است، نه زایل کردن نجاست، پس این روایت دال بر این است که بلل مشتبه به بول بعد از استبراء مبطل وضوء نیست، اما پیش از استبراء، بنا بر مفهوم وصف و احراز در مقام بیان بودن امام علیه السلام، مبطل وضوء است. همچنین با توجه به اینکه تعبیر «یتوضأ» در روایت آمده است، بحث در مبطل نبودن بلل مشتبه به بول بعد از استبراء است، نه پاک بودن آن بعد از استبراء.

۴-۴. روایات دال بر عدم بطلان وضوء مطلقاً قبل و بعد از استبراء

۴-۴-۱. حدیث فضل

وَفِي عُبُودِ الْأَخْبَارِ بِالْإِسْنَادِ الْأَيْ عَنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلَ الْمَأْمُونُ الرَّضَا علیه السلام عَنْ مَخْصِ الْإِسْلَامِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ فِي كِتَابٍ طَوِيلٍ وَلَا يَنْقُضُ الْوُضُوءَ إِلَّا غَائِطٌ أَوْ بَوْلٌ أَوْ رِيحٌ أَوْ نَوْمٌ أَوْ جَنَابَةٌ.^۳ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ق، ج ۲، ص ۱۲۳)

تقریب روایت: حصر در این روایت بر خلاف روایات گذشته حصر حقیقی می باشد؛ چراکه در روایات گذشته سائل از بطلان وضوء توسط چیزی از امام سوال می کرد، اما در این روایت امام به صورت حصر حقیقی می فرمایند که فقط بول، غائط، باد معده، خواب و جنابت است که وضوء را باطل می نماید؛ لذا بلل مشتبه به بول موجب بطلان وضوء نمی شود.

۱. اسماعیل بن عبدالخالق می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی بول کرده و وضوء گرفته و سپس بعد از این کار بللی در خودش یافته است؛ امام فرمود: این بلل چیزی محسوب نمی شود و این وجود بلل از حیائل است که از رگ ها خارج می شود.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام رَجُلٌ بَالَ وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ مَاءٌ - قَالَ يَعْصُرُ أَصْلَ ذَكَرِهِ إِلَى طَرَفِهِ ثَلَاثَ عَصْرَاتٍ - وَيَتَرْتُّ طَرَفَهُ فَإِنْ خَرَجَ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ - فَلَيْسَ مِنَ الْبَوْلِ وَلَكِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۳، ص ۱۹)

۳. مأمون از امام رضا علیه السلام از محض اسلام پرسید: حضرت نامه ای طولانی نوشت و در ضمن آن فرمود: وضوء را فقط غائط و بول و باد معده و خواب و جنابت باطل می کند.

۴-۴-۲. حدیث ابن ابی یعفور

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ أَبِي دَاوُدَ جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بَالَ ثُمَّ تَوَضَّأَ - ثُمَّ قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ ثُمَّ وَجَدَ بَلَلًا - قَالَ لَا يَتَوَضَّأُ إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْحَبَائِلِ.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۹)

تقریب روایت: شخص بعد از وضو گرفتن نماز خوانده و بعد از نماز بللی را در بدن خود می یابد که حضرت می فرمایند: لازم نیست وضو بگیرد؛ که نتیجه گرفته می شود بلل مشتبه مبطل وضو نمی باشد.

۴-۴-۳. حدیث محمد بن سنان

وَبِأَسَانِيدِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِي جَوَابِ الْعِلَلِ عَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: وَ عِلَّةُ التَّخْفِيفِ فِي الْبَوْلِ وَالْغَائِطِ - لِأَنَّهُ أَكْثَرُ وَأَدْوَمُ مِنَ الْجَنَابَةِ - فَرَضِي فِيهِ بِالْوُضُوءِ لِكَثْرَتِهِ وَ مَشَقَّتِهِ وَ حِجْيَتِهِ بَعِيرٍ إِرَادَةِ مِنْهُمْ وَ لَا شَهْوَةَ وَ الْجَنَابَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا بِالْإِسْتِلْدَازِ مِنْهُمْ وَ الْإِكْرَاهُ لَا تَنْفُسُهُمْ.^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸۸)

این روایت فقط بول و غائط را موجب بطلان وضو دانسته، لذا بلل مشتبه مبطل وضو نمی باشد.

اشکال: اما چنین قولی اشتباه می باشد؛ چون روایت در مقام حصر نمودن مبطلات وضو نبوده، بلکه در مقام بیان مقایسه بول، غائط و منی از جهت وجوب وضوء یا غسل می باشد، پس روایت از محل بحث خارج بوده و در مقام بیان مبطل بودن و یا عدم مبطل بودن بلل مشتبه نمی باشد.

۱. ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم مردی بول می کند، سپس وضو می گیرد و به نماز می پردازد، سپس رطوبتی در خود می یابد. فرمود: اعاده وضو لازم نیست؛ زیرا این رطوبت، از رگ های آلت است. (ترجمه فروع کافی، ج ۱، ص ۷۶)

۲. سبب تخفیف و سبک ساختن تکلیف در مورد بول و غائط آن است که آنها بیشتر واقع می شود و شمار دفعاتش بیش از جنابت است، پس خدای تعالی در این مورد به خاطر بیشتر واقع شدن و سختی و رنجش و آمدن بدون اراده و بدون لذت و شهوت آن به وضو ساختن تنها راضی گردید، در صورتی که جنابت حاصل نمی شود مگر با لذت جوئی و واداشتن خویشتن بدان. (من لا یحضره الفقیه/ ترجمه بلاغی و غفاری، ج ۱، ص ۱۰۷)





۴-۴-۴. حدیث سماعه

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مُسْكِينٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام إِنِّي أَبُولُ ثُمَّ أَمْسَحُ بِالْأَخْجَارِ فَيَجِيءُ مِنِّي الْبَلَلُ - مَا يُفْسِدُ سَرَاوِيلِي. قَالَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۹)

اگر لفظ «ما» را در تعبیر «ما یفسد سراویلی» موصوله بدانیم نه استفهامیه، نجاست بلل مورد پذیرش سائل بوده و سوال او از امری غیر از نجاست خواهد بود. در این صورت احتمال دارد که سوال از منقضیت وضوء باشد؛ در نتیجه، پاسخ امام علیه السلام، عدم منقضیت بلل مشتبه است. البته چون این بیان، در حدّ احتمال بوده و به ظهور نرسیده است، نمی‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. در نتیجه، روایت درباره بلل مشتبه دلالت بر منقضیت یا عدم منقضیت وضوء ندارد.

۴-۴-۵. جمع‌بندی نسبت به روایات این دسته

از حصر روایت اول در مبطلات وضوء و همچنین عدم اعتناء به بلل یافت‌شده بعد از وضوء در روایت دوم، متوجّه می‌شویم که بلل مشتبه مبطل وضوء نمی‌باشد، (ولو شخص استبراء نکرده باشد). اما روایت سوم و چهارم مورد اشکال است.

۴-۵. تعارض

بین احادیث دسته اول و دسته چهارم تعارض بدوی وجود دارد؛ چراکه احادیث دسته اول، دالّ بر بطلان وضوء توسط بلل مشتبه به بول به صورت مطلق می‌باشد و احادیث دسته چهارم، دالّ بر عدم بطلان وضوء مطلقاً توسط بلل مشتبه به بول است؛ البته حدیث اول (حدیث فضل) از احادیث دسته چهارم، سه حدیث دسته اول را تقیید زده است؛ چراکه با کمی دقت متوجّه می‌شویم که در دسته اول، مضمون عبارت «ما خرج من طرفین» به صورت کلی ذکر شده است، اما در حدیث اول از احادیث دسته چهارم (حدیث فضل) این

۱. به ابو الحسن امام کاظم علیه السلام گفتیم: من بول می‌کنم و با کلوخ، سر آلت را خشک می‌کنم بعدا که وضوء می‌گیرم، چندان رطوبت و لعاب شوق از من خارج می‌شود که شلوار مرا آلوده می‌سازد، آیا وضوء من باطل شده است؟ ابو الحسن گفت: اشکالی ندارد.



عبارت به صورت جزئی تر بیان شده است که بول، غائط و... که از طرفین خارج می شوند، موجب بطلان وضو هستند؛ لذا حدیث اول، مقید این سه حدیث بوده و در نتیجه تعارض بدوی در این قسمت برطرف می شود و اگر فقط این روایات وجود داشت، حکم به عدم بطلان وضو توسط بلل مشتبه می کردیم، اما روایات دسته سوم نیز دارای تعارض بدوی با این روایت مقید هستند. در نتیجه، با توجه به اینکه روایات دسته سوم، مقید این روایت است حکم به عدم بطلان وضوء در صورت خروج بلل مشتبه به بول پس از استبراء و بطلان وضوء در صورت خروج بلل مشتبه به بول پیش از استبراء می کنیم که می توان از روایت دسته سوم کمک گرفت و این گونه تفسیر نمود که احادیث دسته اول، دالّ بر این مطلب می باشند که خروج بلل مشتبه موجب بطلان وضو می شود؛ چراکه قبل از خروج بلل مشتبه، شخص استبراء نکرده است و احادیث دسته چهارم نیز دلالت بر این مطلب دارند که خروج بلل مشتبه موجب بطلان وضو نمی شود؛ چراکه شخص قبل از خروج بلل مشتبه استبراء نموده است. همچنین روایت دسته دوم نیز حمل بر تقیّه می شود؛ چنان که شیخ طوسی و.. به این مطلب اشاره کرده اند. (طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۴۹)

۵. نتیجه

بعد از بررسی روایات و حلّ تعارض بدوی بین آنان نتیجه گرفته می شود که در فصل اول، بلل مشتبه بعد از استبراء، پاک و پیش از استبراء، نجس است و در فصل دوم، خروج بلل مشتبه بعد از استبراء مبطل وضو نبوده، اما پیش از استبراء، مبطل وضوء است.



فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق). *عیون أخبار الرضا* (چاپ اول). تهران: نشر جهان.
۲. _____ (۱۳۸۵). *علل الشرائع* (چاپ اول). قم: کتاب فروشی داوری.
۳. _____ (۱۴۱۳ ق). *من لا يحضره الفقيه* (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. _____ ترجمه غفاری و بلاغی (۱۳۶۷). *ترجمه من لا يحضره الفقيه* (چاپ اول). تهران: نشر صدوق.
۵. _____ ترجمه مستفید و غفاری (۱۳۷۲). *ترجمه عیون أخبار الرضا* (چاپ اول). تهران: نشر صدوق.
۶. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ ق). *قرب الأستاذ* (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت (ع).
 ۷. خمینی، سید روح الله (بی تا). *تحریر الوسیله* (چاپ اول). قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۸. مکارم، شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ق). *التواعد الفقهیه* (چاپ سوم). قم: نشر مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه* (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحکام* (چاپ چهارم). تهران: نشر دارالکتب الإسلامیه.
۱۱. _____ (۱۳۹۰ ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار* (چاپ اول). تهران: نشر دارالکتب الإسلامیه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *اصول کافی* (چاپ چهارم). تهران: نشر دارالکتب الإسلامیه.
۱۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۴. مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ ق). *اصول الفقه* (چاپ پنجم). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعه المدرسین بقم.
۱۵. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). *كشف اللثام والابهام عن قواعد الأحکام* (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار* (چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.